



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بارتاب رمانتیسم در عرصه ادبیات منظوم ایران

چکیده:

اگرچه «رمانتیسم»^۱، اصطلاحی است که تاکنون تعریفی در مورد آن ارائه نشده است. اما خصوصیات عمده آن عبارت است از: تخیل، احساس گرایی، درهم ریختن ساختار ادبی کلاسیک و مخالفت با قاعده و چهارچوب و... نهضت «رمانتیسم» مربوط به اروپا است اما «حس رمانتیک» در سایر ملل از جمله شرق، از دیرباز وجود داشته است. در اروپا بزرگانی همچون «ویلیام بلیک»^۲، «کالریج»^۳، «گوته»^۴، «هوگو»^۵، «لامارتین»^۶، بانی این نهضت بودند. در ایران رمانتیک در اشعار شاعرانی چون «نیما»، «توللی»، «فروغ»، «نادرپور» و... جلوه گر می‌شوند، سبک‌های ادبی دیگری رانیز می‌توان یافت که عرصه

تجلی ویژگی‌های ادب رمانتیک است.

سبک خراسانی که از آن به سبک کلاسیک (به معنی خاص) تعبیر می‌شود، در مقابل سبک عراقی قرار می‌گیرد که حداکثر جلوه‌های رمانتیسم و ادب احساس‌گرا در آن قابل توجه است. رهاورد رمانتیسم ادب غنایی است و پایگاه ادب غنایی در ادبیات کهن ایران، سبک عراقی، خصوصیات چون: احساس‌گرایی، حساسیت و غم‌گرایی، اسطوره‌گریزی، جولان خیال، توصیف، گرایش به مذهب و عرفان، ساختار شکنی فکری در ادب رمانتیک سبک عراقی مشهورند. سبک هندی به جز تخیل غنی و برخی توصیفات چندان نشانه‌ای از ادب رمانتیک ندارد و سبک بازگشت ادبی نیز سبکی انعکاسی است که فاقد خصوصیات



رمانتیسیم است. اوج رمانتیسیم در اشعار ایران در دوره بعد از مشروطیت جلوه گر می شود.

نظر تخیل و احساس (که دو ویژگی عمده به شمار می روند) متعالی هستند که ما را به یاد رمانتیک‌های قرن هیجده اروپا می اندازد.

در اقصی نقاط جهان وقتی آثار ادبی گذشتگان و پیشکسوتان ادب و فرهنگ، مورد مطالعه و ژرف‌نگری و نقد قرار می گیرد، ویژگی‌های رمانتیک در آثار و اشعار آنان به طور پراکنده قابل درک است و حتی نقادان بزرگ گاهی عوامل بروز نهضت رمانتیسیم در اروپا را ریشه در دیگر فرهنگ‌ها، خصوصاً شرق می دانند. مثلاً «سیلییر»^۷ (منتقد فرانسوی که از معارضان سرسخت رمانتیسیم است) تلاش کرده که منشأ «رمانتیسیم» را (که او آن را بیماری می نامد) شرق جلوه دهد و اعتقادش بر این است که میراث افلاطون با مسیحیت (که آن هم شرقی است) در هم می آمیزد

نگاهی به سابقه رمانتیسیم در ایران:

با وجود آنکه در قرن هیجدهم در اروپا نهضت «رمانتیسیم» با ویژگی‌هایی از قبیل: احساس‌گرایی، فردگرایی، ادب‌غنایی، تخیل وسیع و در هم شکستن چهارچوب‌ها و قاعده‌ها و... عام شمول شد، اما رگه‌های اندیشه رمانتیک هم‌زاد بشریت است و برخی ویژگی‌ها نظیر: تخیل و احساسات در تمام انسان‌ها در طول تاریخ و در گوشه و کنار جهان وجود دارد. آثار باقی مانده از گذشتگان ادبیات جهان گاه آنقدر از

و با مکتب نوافلاطونی نیروی بیشتری گرفته و دوران جدید رمانتیسم را پدید آورده است.^۸ در هر حال نمی‌توان جاذبه خاص شرق را در نظر شاعران و نویسندگان قرن هیجده اروپا، کتمان کرد. سفر به شرق، ترجمه کتاب‌های شرقی (ترجمه هزار و یک شب) و نیز انتشار سفرنامه‌هایی در باب ایران و هند^۹ و انتشار کتاب‌های: **قصه‌های ایرانی**، **قصه‌های ترکی**، **افسانه عربی** و اثنی (۱۷۸۶) و... را می‌توان گواهی بر این مدعا دانست.^{۱۰} شاعرانی همچون: «هوگو»، «لامارتین» و «موسه»^{۱۱} به آثار ترجمه فارسی توجه نشان داده‌اند و حتی «هوگو»، قسمتی از کتاب **زنان شرقی** را با الهام از ادب فارسی نگاشت.^{۱۲}

مفهوم شعر غنایی:

شعر غنایی عمدتاً، شعری است احساس‌گرا و مبتنی بر عشق و زیبایی و سرچشمه گرفته از عواطف درونی. در نظر ارسطو معیار دقیقی برای شعر غنایی وجود ندارد، زیرا به عقیده وی، شعر غنایی با موسیقی آمیخته است و لذات حاصل از آنها را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. ادب غنایی نزد اروپاییان به ادبیات «لیریک» مشهور است و «لیر» نوعی آلت موسیقی است مانند چنگ که یونانیان قدیم اشعاری همراه با «لیر» خوانده‌اند که به آنها «لیریک» گفته می‌شد و در ایران نیز نظیر این ساز یافته می‌شد.^{۱۳} جلوه‌های شعر غنایی در ادب کهن ایران را می‌توان در گاهان^{۱۴} (سرودهای مذهبی زرتشت) و نیز سرودهای خسروانی^{۱۵}، فهلویات و نیز بخش‌هایی از **درخت آسوریک** مشاهده کرد.^{۱۶} در ایران، غزل، قالب شاخص شعر غنایی به شمار می‌رود و به صورت تغزلات در اول قاصید شاعران سبک خراسانی نیز جلوه‌گر شده است. از قرن ششم به بعد، سیر غزل، راه صعود طی می‌کند و در قرن هفتم و هشتم به اوج خود می‌رسد و تا عصر ما نیز این قالب ادامه می‌یابد. «بسیاری از محققان منشأ اشعار غنایی را ادبیات فلكلوريك دانسته‌اند.»^{۱۷}

جایگاه رمانتیسم در سبک‌های ادبی ایران:

براساس علم سبک‌شناسی، سبک‌های رایج در شعر فارسی را می‌توان به چند دسته عمده تقسیم کرد^{۱۸} که عرصه جولان رمانتیسم واقعی را می‌توان در سبک حد وسط و جدید یعنی ادبیات دوره مشروطه به بعد دانست.^{۱۹}

در این دوره است که رمانتیسم در ایران به تبع رمانتیسم اروپایی رشد کرد و تا حدودی شکل واقعی به خود گرفت و کسانی چون: نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، فریون توللی و نادر نادرپور را نماینده خود در ایران ساخت.^{۲۰} اما اگر با دقت به سبک‌های دیگر نیز نظر بیندازیم متوجه برخی خصوصیات رمانتیکی در آثار شاعران برجسته آن سبک‌ها می‌شویم.

جلوه‌های رمانتیسم در سبک خراسانی بسیار ناچیز است. از آن رو که سبک خراسانی بر پایه عقل و خرد بنا شده و می‌توان از آن به عنوان دوره «کلاسیک» ادب پارسی نام برد.

آثار و شاعران عمده این عصر از قبیل: رودکی، فرخی سیستانی، عنصری، منوچهری دامغانی، فردوسی و سایر شعرای سبک خراسانی، رنگ و بویی واقع‌گرا و یا بعضاً حماسی دارد. جز برخی از شاعران، آن

هم در مواردی معدود (که عمدتاً در تغزلات قاصید است) به شعر غنایی روی نیاورده‌اند.

انعکاس صریح احوال اجتماعی و زندگی شاعران و وضع دربارها و جریانات سیاسی و نظامی، از عمده ویژگی‌های این سبک است. و علت این امر واقع‌بینی و آشنایی شاعران با محیط مادی و خارجی و توجه کمتر آنان به عوالم خیالی و اوهام است.^{۲۱}

با این وجود شعر غنایی در این دوره جلوه‌هایی (هر چند اندک) دارد. در آثار «رودکی» و «شهید بلخی»، «عنصری»، «فرخی سیستانی» و «دقیقی» و «رابعه بلخی»، جلوه‌هایی از شعر غنایی به چشم می‌خورد از ویژگی‌های رمانتیسم در این دوره به جز برخی غزل‌ها و تغزلات غنایی و نیز نمود گرایش به احساس (البته به صورت بسیار محدود)، چیز دیگری نمی‌توان یافت.

وامق و عذرا (عنصری)، **ورقه و گلشاه (عیوقی)**، **ویس و رامین** (فخرالدین اسعد گرگانی)^{۲۲}، بیشترین نزدیکی را در میان آثار این سبک (خراسانی) به رمانتیسم دارند و آن هم به دلیل گرایش به احساسات و داستان‌های عاشقانه آنها است.

ما سبک دوره خراسانی را سبکی مبتنی بر واقع‌گرایی می‌شناسیم و رگه‌های وجود برخی از جلوه‌های رمانتیسم در سبک خراسانی، به علت جزئی بودن، توان دادن رنگ و بویی رمانتیک به آثار این سبک را ندارند. شعر فارسی در این دوره «بنا بر تأثیری که از اصل کلی و شایع خردگرایی پذیرفته، شعری واقع‌گراست. شاعران عهد از دریچه ذهنی اندیشمند و ظاهری به واقعیت‌های ملموس پیرامون خود نگریسته، تصویری واقع‌بینانه از آنها ارائه می‌کنند از این رو، تشبیهات شعر این عصر براساس روابطی محسوس شکل گرفته است.»^{۲۳}

همچو لوح زمرد دین گشته است

دست، همچون صحیفه زرخام^{۲۴}

*

شد آن زمانه که رویش بسان دیبا بود

شد آن زمانه که مویش بسان قطران بود^{۲۵}

*

نیلوفر کبود نگه کن میان آب

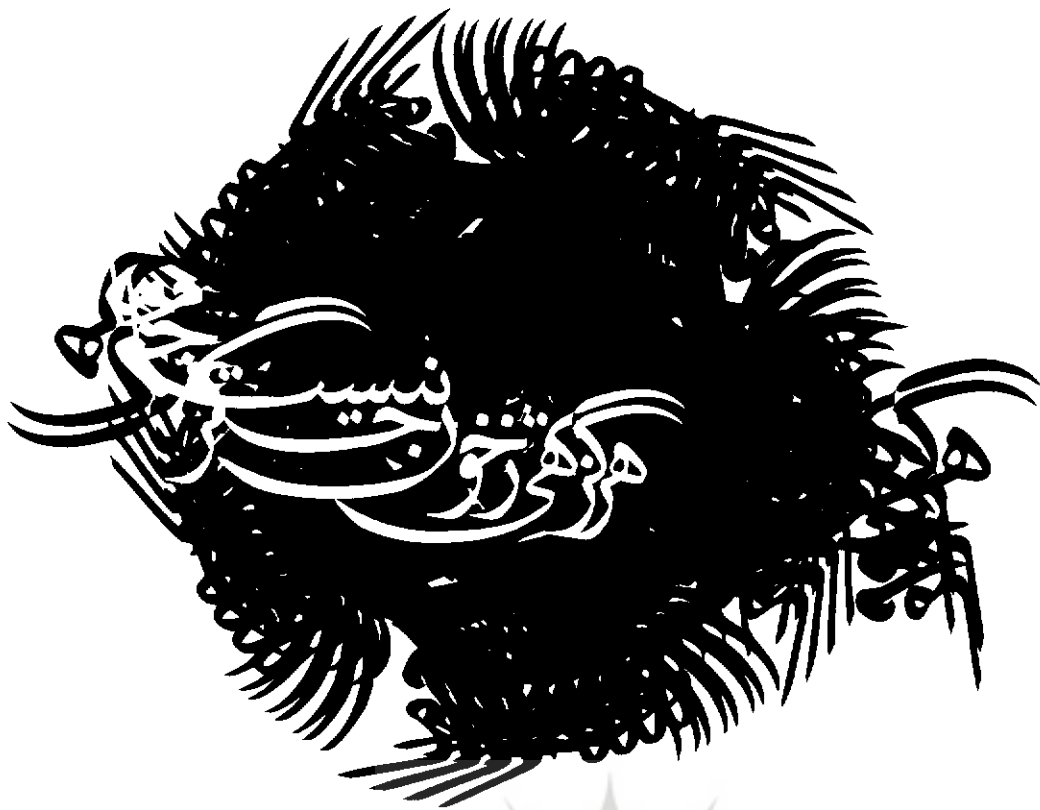
چو تیغ آبناده و باقوت آبدار^{۲۶}

*

سایر ویژگی‌های رمانتیسم و تفکر رمانتیکی نظیر: درونگرایی، گرایش به غم، اندوه، انزوا، تنهایی، خیال‌پردازی وسیع و... در این دوره بسامد چندانی ندارند و یأس نیز در این اشعار به ندرت وجود دارد.^{۲۷}

سبک عراقی

«جلوه ادب غنایی ما در سبک عراقی است». دکتر سیروس شمیسا در کتاب **انواع ادبی** در ادامه سخن فوق چنین می‌گوید: «شعر سبک عراقی) از نظر فکری، شعری درونگرا و به اصطلاح سوپزکتیو است. زیرا مسائل درونی مطرح می‌شود. معمولاً غم‌گراست نه شادی‌گرا، همان‌طور که عشق‌گرا است نه عقل‌گرا. از نظر ادبی بیشتر به قوالب غزل و مثنوی و رباعی است. اغراق و توصیف دارد و سرشار از صناعات بدیعی و بیانی است.»^{۲۸}



ترغیب می نماید:

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران

۳۸- کز سنگ ناله خیزد، روز وداع یاران

۳- تغییر سلیقه شاعران این دوره در مورد قهرمانان افسانه‌ای و اسطوره‌های ایران باستان. همان گونه که کلاسیک‌های اروپا در آثار خویش از هنرمندان یونان و روم قدیم الهام می‌گیرند، شاعران عصر خردگرایی‌ها، منبع الهامشان اساطیر و افسانه‌های کهن ایرانی است، در حالی که شاعران عصر احساس‌گرایی ما همانند رمانتیک‌ها که از ادبیات مسیحی قرون وسطی الهام می‌گیرند، قهرمانان و شخصیت‌های آرمانی تمثیلات خود را از عرفان اسلامی برگزیده و آشکارا چشم از قهرمانان اسطوره‌های عهد خردگرایی می‌پوشند.

۴- تخیل ژرف و حتی گاه پناه بردن به اوهام و نازک‌خیالی‌ها و ظرافت طبع:

مژه‌ها و چشم شوخش به نظر چنان نماید

۳۹- که میان سنبلستان چرد آهوی ختایی

۵- توصیف، از دیگر ویژگی‌های رمانتیک سبک عراقی است، خصوصاً توصیف مناظر غمگین و طبیعت وحشی و اندوهناک:
در تموزم ببندد آب سرشک

۴۰- کز دم یاد مهرگان برخاست

۶- گرایش به مذهب و اشعار دینی و عرفانی و استفاده در این راه از کلمات خراباتی همچون:

می، ساغر، پیمان، شراب، خرابات، مغ، ساقی و...

لب میگون جانان جام درد

۴۱- شراب عاشقانش نام کردند

۷- شکستن ساختار فکری گذشته و طرح ایده‌های نو و تبدیل عشق

در حقیقت اگر ما بخواهیم جنای از ادبیات پس از انقلاب مشروطه،

عصر دیگری در ادبیات ایران بیابیم که در آن ویژگی‌های رمانتیسم، نمود بارزی داشته باشد، می‌توانیم از عصر حاکمیت سبک عراقی بر آثار سخنوران ایران یاد کنیم. دوره‌ای که سرایندگانش «بیش از آنکه به اصطلاح عصر

خردگرایی [دوره خراسانی] «حکیم» باشند، «شاعر»ند». ۳۹. با وجود آنکه اشعار غنایی در شعر فارسی از نخستین روزگار پیدایش شعر دری، یعنی قرن سوم آغاز شد اما سیر به سوی کمال آن از قرن چهارم شروع شد ۳۰ و بعدها در قرن هفتم و هشتم به اوج خود رسید.

افکار حاکم بر شعر این دوره را می‌توان به نوعی مرتبط با اندیشه رمانتیک دانست. اندیشه‌هایی که به گفته دکتر ذبیح‌الله صفا در نوابغ هنر و ادب جهان تأثیرگذار بود و رمانتیک‌هایی چون: هوگو، لامارتین، لرماتوف ۳۱، بایرون ۳۲، شلی ۳۳، هاینه ۳۴ و... از آن بهره‌مند شده‌اند. ۳۵

با توجه به خصوصیت «خردگرایی دنیوی» و گرایش به معنویت و ستایش حیات معنوی انسان، شاعران سبک عراقی را می‌توان «شاعران آسمانی» نامید که ویژگی‌های «رمانتیسم» در آثارشان تبلور یافته است. ۳۶

ویژگی‌های منطبق با اندیشه رمانتیسم در سبک عراقی بدین قرارند:

۱- احساس‌گرایی؛ که در غزل کاملاً تبلور می‌یابد. معشوق ماورایی و دست‌نیافتنی می‌گردد. کلمات شعر رو به عرش دارد و از زمین منقطع شده است و حاکی از درون پرتلاطم شاعر است شاعر در طلب معشوق روز و شب ندارد:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید

یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید ۳۷

۲- سرگردانی عاشق دلسوخته و رنج کشیدن بی‌شمار او در طلب

معشوق، گاه وی را به شخصیتی پریشان و غمگین بدل می‌کند. شخصیتی که شاعر را به بریدن از عالم برون و رجعت به عالم درون

از حالت زمینی به نوعی عشق افلاطونی و ماورائی. حقیر بودن عاشق و والا بودن معشوق:

من بی مایه که باشم که خریندار تو باشم

حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم^{۴۱}

در کل این گونه ویژگی‌ها، حکایت کننده وجود روح رمانتیک در کالبد اشعار سبک عراقی و منبعث از علل و عواملی است که در اجتماع عصر رواج این سبک وجود داشته است.

از مهم‌ترین عوامل بروز ویژگی‌های رمانتیسم در اشعار سبک عراقی می‌توان به عدم رونق بازار قصیده و کسادی بازار آن، رواج شعر غنایی، تصوف، هجوم مغول به ایران و گسترش شعر به کوچه و بازار و خارج شدن شعر از حالت درباری، افول حماسه ملی و رواج حماسه تاریخی، اشاره کرد.

جلوه‌های رمانتیسم در سبک هندی و بازگشت ادبی:

اندیشه‌های رمانتیک سبک هندی ادامه «رمانتیسم» سبک عراقی است که البته درخشش چندانی ندارد. در واقع ویژگی‌های رمانتیکی سبک هندی، به جز تخیل و احساس چندان گسترده نیستند و حتی این دو ویژگی نیز در مقایسه با سبک عراقی از کیفیتی بالا برخوردار نیستند. ویژگی‌های عمده رمانتیسم در سبک هندی عبارت‌اند از: ۱- تخیل؛ دکتر شفیع کدکنی از خصلت‌های مهم سبک هندی را «تازگی یا خصلت غیرعادی صور خیال از طریق پذیرش بیوندهای جدید در قلمرو خیال، ایجاد صور خیال مجرد و انتزاعی یا عناصر نو در ساختار صور خیال»^{۴۳} برمی‌شمارد که از این خصلت‌ها می‌شود به عنوان خصال رمانتیک شعر سبک هندی، یاد کرد.

۲- نزدیک شدن به زبان عامیانه و کوچه و بازار که خود موجب گسترده شدن دایره واژگان شعری این دوره گردید.

۳- حساسیت، که «بودلر»^{۴۴} آن را با نبوغ برابر دانسته است^{۴۵}، در سبک هندی نمود بارزی دارد:

هرگز تهی ز خون جگر نیست جام ما

داغ است آفتاب ز ماه تمام ما^{۴۶}

۴- موضوعات جدید و نو و ابتکاری. در این عصر موضوعاتی وارد شعر شد که شاعران کلاسیک ممسکانه بدان می‌پرداختند.^{۴۷}

نشانه‌های دیگری نیز مبنی بر وجود رگه‌های رمانتیسم در سبک هندی وجود دارد. ویژگی‌هایی از قبیل: توصیف طبیعت وحشی، گرایش به عشق و... که بسامد چندانی ندارند. در این عصر، غزل عاشقانه بسیار کم می‌شود و غزل خصلت عاشقانه خود را از دست می‌دهد و عمدتاً اخلاقیات، انتقاد اجتماعی، ستایش می، فلسفه و الهیات در این اشعار خودنمایی می‌کنند.^{۴۸}

باید خاطر نشان کرد که سبک هندی دوره‌ای نیست که در آن رمانتیسم حرکت ویژه‌ای داشته باشد. ما در سبک هندی فقط به رگه‌ها و بارقه‌هایی از این مکتب (رمانتیسم) می‌توانیم برخورد کنیم و به همین لحاظ، سبک هندی، رتبه والای سبک عراقی را در رابطه با مسئله رمانتیسم ندارد.

سبک بازگشت ادبی هم با وجود دارا بودن برخی از ویژگی‌های رمانتیسم، به دلیل تقلیدی بودن، دوره‌ای مبتنی بر احساسات گرای

شمرده نمی‌شود. این دوره حاوی ادب «انعکاسی» است نه بر پایه خلاقیت. حتی ساختار شکنی که در این دوره علیه سبک هندی رخ می‌دهد در حقیقت شامل شکستن ساختار نبوغ و تفکر غنایی (باقی مانده از سبک عراقی) در سبک هندی است.

لذا این ساختار شکنی نمی‌تواند جزء خصال رمانتیک به حساب آید چرا که در این جریان گستره تخیل و خلاقیت سبک هندی قلع و قمع شده و به جای آن قاعده مندی و ضوابط دوباره در ادبیات فارسی احیا می‌گردد.

همان گونه که می‌دانیم، قیام رمانتیک در اروپا علیه چهارچوب‌های خشک و اصول از پیش تعیین شده مکتب کلاسیک صورت گرفت و نیز حرکت رمانتیک سبک عراقی در ایران در جهت تغییر ساختار کهن فکری از دستورمندی و قاعده‌گرایی به سوی تخیل آزاد و احساسات بی‌قید و بند، انجام پذیرفت. (هر چند در ایران این تحولات رمانتیک بیشتر در عرصه مضمون رخ داد تا ظاهر و زبان)، پس نتیجه اینکه جنبش بازگشت ادبی در واقع جنبشی است «کلاسیک» که نظیر آن در بسیاری از اقوام اتفاق افتاده است. «در غرب [هم] از آغاز قرن شانزدهم تا قرن هفدهم نهضت کلاسیسم به وجود آمد و شاعران و نویسندگانی چون: مولیر،^{۴۹} لافونتن،^{۵۰} راسین،^{۵۱} میلتن،^{۵۲} درایدن^{۵۳} و... از آثار بزرگ ادبی یونانی و لاتینی تقلید می‌کنند. این تقلید عیناً مثل مکتب بازگشت به زبان استواری و رونقی می‌بخشد اما البته فکر تازه‌ای به ادبیات اضافه نمی‌شود... در ادبیات عرب هم شبیه به این جریان حرکة الاحیاء (جنبش بازآفرینی) است. در اوایل قرن بیستم، شاعران مصر بر آن می‌شوند تا با تقلید، امثال ابوتام و متنبی و نابغه‌الذیبانی و... را سرمشق خود قرار دهند...»^{۵۴} البته پس از این حرکت، جنبش رمانتیسم که در واقع «تقلید مسخ شده‌ای از رمانتیسم غرب بود»^{۵۵} در فاصله دو جنگ جهانی میان اعراب ظهور کرد و کمال یافت و کسانی همچون علی محمود طه، ابوالقاسم شابی، ابراهیم طوقان و... شعر رمانتیک را به شکلی جدید عرضه کردند.^{۵۶}

بنابراین نهضت بازگشت ادبی که بر مبنای تقلید از گذشتگان است منحصر به ایران نیست. شیوه‌ای است مبتنی بر کلاسیسم که در ایران نیز چون کشورهای دیگر وجود داشته است.

نقد و ارزیابی رمانتیسم عصر نیمایی:

رمانتیسم ایرانی بعد از انقلاب مشروطیت در ایران نضج گرفت و با افسانه نیما بالید و با آثار رمانتیک‌های بزرگی چون توللی و نادرپور به اوج خود رسید و سرانجام از اواسط دهه چهل به بعد رو به افول نهاد. در این روند دو عنصر عمده بنیان رمانتیسم عصر نیمایی به شمار می‌روند. اول روح شرقی و احساس‌گرا و تخیل‌پناه شاعران ایرانی که از زمان ظهور شعر فارسی به انحاء مختلف در آثار شاعران این مرز و بوم جلوه‌گری کرده است و دوم تأثیراتی که شعر و ادب رمانتیک غرب (که در عصر مشروطه و بعد از آن روند ترجمه آن آثار به فارسی بسیار سریع شد) بر شعر شاعران پس از مشروطیت و عصر نیمایی گذاشته بود. دکتر شفیع کدکنی، رمانتیسم این دوره را متأثر از رمانتیسم فرانسه می‌داند.^{۵۷} و البته این بدان دلیل بود که حجم عظیمی از کتب ترجمه شده، آثار رمانتیک‌های فرانسوی همچون هوگو و دیگران را تشکیل می‌داد.

خانلری و تاحدودی نیما بیشتر ملموس است اما در هر صورت ویژگی یأس در اکثر آثار رمانتیک این دوره به انحاء مختلف مشهود است .

ساختار شکنی که در اشعار نیما صورت پذیرفت ، مورد توجه شاعران رمانتیک و حتی غیر رمانتیک قرار گرفت و البته این امر به دلیل رها شدن سخن و شعر از ساختار کلیشه‌ای گذشته بود . هر چند رمانتیسم حاکم بر شاخه‌ای از شعر عصر نیمایی به صورت گسترده زیاد طول نکشید ، اما آثار آن تاکنون نیز باقی مانده است . لزوم ورود تخیل وسیع و درک شهودی هنرمندانه به عصر شعر و شاعری در شعر شعرای پس از مشروطیت کاملاً احساس می‌شد و خصوصاً بعد از شعرای انقلابی و پرشور اولیه که بدون استفاده گسترده از عناصر رمانتیک ، شعری آزادخواهانه می‌سرودند ، لازم بود شعری منطبق با موازین زیبایی‌شناسی در عرصه هنر دوره پس از مشروطیت پدیدار شود .

کاری که نیما کرد ، تعریف شعر را بسیار به تعاریف رایج در قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم اروپا ، یعنی دوره رواج رمانتیسم در این قاره نزدیک نمود و البته ناگفته پیداست که پویندگان راه نیما حتی این تعریف را به حدی به تعاریف اروپاییان از شعر نزدیک نمودند که عملاً شعر به بیان تخیل در کلام (یعنی خلاصه تعریف آن در ادب رمانتیک غرب) بدل شد .

با وجود این ، نکته در اینجا است که چرا بیشتر شاعران رمانتیک عصر نیمایی از سال ۱۳۳۵ به بعد نوعی دلزدگی از شعر رمانتیک می‌یابند و کم‌کم از این جریان خود را کنار می‌کشند . وضعیت اجتماعی و لزوم وارد شدن شعرا به مسائل اجتماعی آن دوران باعث شد تا شعرای رمانتیک کم‌کم حالت درونگرایی خود را ترک کنند و به سوی شعری روی بیاورند که در حقیقت شعر زندگی است . دایره واژگان مورد استفاده در شعر این دوره رو به گسترش می‌نهاد ۵۸ و دیگر درونگرایی رمانتیک‌ها جوابگوی روح تشنه جامعه این عهد نبود .

در اروپای قرن نوزدهم ، پس از کناره‌گیری بسیاری از رمانتیک‌های مهم همچون: گوته ، وینی ، گوته و ... به دلیل روشن شدن رمانتیسم از زندگی روزمره و افتادن به ورطه اغراق و سقوط از تخیل به توهم ، این مکتب رو به افول نهاد . در ایران دهه چهل نیز تقریباً همین اتفاق افتاد و تخیل و درونگرایی در اشعار رمانتیک می‌رفت که جای خود را به توهم و اغراق در «من» فردی شاعر بدهد که این امر خود از عوامل مهم رویگردانی شاعران از این مکتب بود .

در این عصر کم و بیش تعلقی که رمانتیک‌ها به وزن شعر خصوصاً در صورت نیمایی آن داشتند ، می‌رود که جای خود را به شعری کاملاً بی‌وزن بدهد و در این دوره است که فرم چهارپاره که از فرم‌های معمول در شعر رمانتیک‌هایی چون: گلچین گیلانی ، خانلری ، نادرپور و توللی بود «گویی از بین می‌رود و فرم شعری که نیما با «ققنوس» شروع کرده بود ... و بعد با «پادشاه فتح» تکامل یافته بود ، در این دوره رایج می‌شود و دیوان‌هایی مثل «زمستان» ، «هوای تازه» ، «آخر شاهنامه» با این فرم منتشر می‌شود ...» ۵۹

از دیگر عوامل مهم تغییر سلیقه در این دوران ، تأثیر آثار «تی . اس . الیوت» شاعر معروف آمریکایی - انگلیسی قرن بیستم است که برای اولین بار در سال ۱۳۳۴ منظومه "The waste Land" او ترجمه شد و بر برخی از شاعران این دوره تأثیر گذاشت . ۶۰ «آشکارترین تأثیر الیوت بر



به علاوه غنی‌تر بودن آثار رمانتیک‌های فرانسوی ، از عوامل دیگر تأثیرگذاری آثار و اشعار رمانتیک فرانسوی بر آثار رمانتیک شعرای عصر نیمایی به شمار می‌رود . همچنین سفرهایی که شاعران و نویسندگان ایرانی همچون: نادرپور ، فروغ و ... در این عصر به اروپا داشتند بیشتر به فرانسه بود که عمدتاً به دلیل تحصیل صورت می‌گرفت و نیز بسیاری از آنان با زبان فرانسوی آشنا بوده‌اند . عصر نیمایی را تنها دوره‌ای در ادبیات فارسی می‌توان دانست که ویژگی‌های رمانتیسم با حداکثر جلوه خود در آثار ادبی خصوصاً شعر ظاهر می‌شوند . رمانتیک‌های این دوره از دو ویژگی حساسیت و تخیل (که از مختصات مهم رمانتیسم محسوب می‌شوند) نهایت بهره را برده‌اند و آثار آنان سرشار از تجلی این ویژگی‌ها است . دو گرایش رمانتیسم مثبت و منفی در رمانتیسم این دوره جریان دارد . رمانتیسم مثبت تا حدودی جلوه امید را بیشتر از خود بروز می‌دهد ولی رمانتیسم منفی یا رمانتیسم سیاه ، در نهایت نومیدی و یأس در آثار شعرای رمانتیک عصر نیمایی خودنمایی می‌کند . توللی نمونه تام این گونه رمانتیسم است . ویژگی‌های رمانتیسم مثبت در آثار فروغ ،

شعر نسل جوان این سال‌ها این بود که به آنها یاد داد که می‌توان ضمن عمیق شدن در مفاهیم اجتماعی و گریز از احساسات سطحی، از نوعی اسطوره در شعر استفاده کرد و از صراحت، پرهیز داشت و زبان شعر را می‌توان تا حد زیادی به زبان زنده مردم نزدیک کرد. بیشترین بهره را در این زمینه شاید فروغ گرفته باشد. «۶۱ در هر حال می‌توان گفت: «شعر انگلیسی و فرانسوی - و کمتر شعر آلمانی و خیلی کمتر شعر روسی - جو مطالعات شعری شعرا را عوض کرد...» ۶۲ از مهم‌ترین مباحث در محفل‌ها و نشریات دهه چهل بحث پیرامون «موج نو» است، ۶۳ با چهار کوشش مهم:

۱- «جدا کردن کلمه از شیء ۲- دست‌یابی به معانی دور از ذهن ۳- تصویری کردن شعر ۴- ایجاد مناسبات جدید بین اشکال و اشیاء واقعی» ۶۴ در شعر موج نو دیگر دنیای رمانتیک‌ها عوض شده است و اشعاری جدید با خصوصیات متفاوت که بیشتر مضمونی اجتماعی و متعهدانه دارند، سروده می‌شوند. هرچند رگه‌های ضعیفی از رمانتیسم در این اشعار نیز قابل مشاهده است.

فردیت رمانتیسم تبدیل به «من» اجتماعی می‌شود و دیگر شعر حول و حوش مسائل خصوصی و احساسات درونی شاعر نمی‌گردد. مسائل روزمره زندگی شعر می‌گردند. اگر در دوره بعد از رمانتیک تخیلی هست، عمدتاً تخیلی است در ارتباط با واقعیات جاری زندگی. اگر ملالی هست، ملال و رنجی است که اجتماع عصر درگیر آن است، نه یک نفر، و اگر حساسیتی به چشم می‌خورد، حساسیت شاعر در مقابل رنج‌ها و آلام مردم و جامعه است، نه رنج‌های عاشقی در مانده و شکست خورده. اگر فروغ تا دیروز در شعر رؤیا این گونه می‌سرود:

«باز من ماندم و خلوتی سرد

خاطراتی ز بگذشته‌ای دور

یاد عشقی که با حسرت و درد

رفت و خاموش شد در دل گور» ۶۵

در دوره دوم شاعری‌اش که دنیای رمانتیک را ترک گفته در کتاب

تولد دیگر این گونه می‌سراید:

«من فکر می‌کنم که تمام ستاره‌ها

به آسمان گمشده‌ای کوچ کرده‌اند

و شهر، شهر چه ساکت بود» ۶۶

و اگر نیما و نادرپور و... در دوره اول شاعری‌شان به غم درون

می‌پرداختند اینک غم برون و درد اجتماع عصر را مدنظر قرار می‌دهند.

منابع:

۱- اشرف‌زاده، رضا رمانتیسم، اصول آن و نقود آن در شعر معاصر ایران، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی** مشهد شماره اول و دوم، سال سی و پنجم، بهار و تابستان: ۱۳۸۱.

۲- البوت، تی، اس؛ **پرگزیده آثار در قلمرو نقد ادبی**، ترجمه: سید محمد دامادی، انتشارات علمی، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۵.

۳- تراویک، باکتر؛ **تاریخ ادبیات جهان** (دوره دو جلدی)، ترجمه: عربعلی رضایی انتشارات فرزاد، چاپ اول: ۱۳۷۳.

۴- جعفری جزی، مسعود؛ **سیر رمانتیسم در اروپا**، نشر مرکز، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۵.

۵- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد **دیوان اشعار**، براساس نسخه علامه محمد قزوینی، قاسم غنی، با نگاه به حافظ (به سعی سایه)، **غزل‌های حافظ** (سلیم نیساری) **دیوان حافظ** (پرویز نائل خانلری) و... به اهتمام جهانگیر منصور، [بی‌جا]: نشر دوران [تهران]، نشر دیوار: ۱۳۷۸.

۶- خاقانی شروانی، **دیوان اشعار**، مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات: ضیاء‌الدین سجادی، انتشارات زوار، چاپ پنجم: ۱۳۷۴.

۷- ذکاتوی فراگزلو، علیرضا؛ **گزیده اشعار سبک هندی**، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۲.

۸- رجایی، نجمه؛ **آشنایی با نقد معاصر عربی**، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول: ۱۳۷۸.

۹- رودکی؛ **دیوان اشعار**، تنظیم و تصحیح و نظارت: جهانگیر منصور، انتشارات ناهید، چاپ اول: ۱۳۷۳.

۱۰- سعدی شیرازی؛ **کلیات**، مصحح: بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، تهران، چاپ دوم: ۱۳۷۹.

۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ **ادبیات فارسی، از عصر جامی تا روزگار ما**، ترجمه: حجت‌الله اصیل، نشر نی، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۸.

۱۲- —، **ادوار شعر فارسی**، از مشروطیت تا سقوط سلطنت، انتشارات توس، تهران: ۱۳۵۹.

۱۳- شمیسا، سیروس؛ **انواع ادبی**، انتشارات فردوس، چاپ سوم: ۱۳۷۴.

۱۴- —، **سبک‌شناسی شعر**، انتشارات فردوس، تهران، چاپ ششم: ۱۳۷۹.

۱۵- صائب تبریزی؛ **دیوان اشعار** (دو جلدی)، به اهتمام جهانگیر منصور، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول: ۱۳۴۴.

۱۶- صبور، داریوش؛ **آفاق غزل فارسی**، انتشارات پدیده: ۱۳۳۵.

۱۷- صفا، ذبیح‌الله؛ **تاریخ ادبیات ایران**، جلد اول (خلاصه جلد اول و دوم) انتشارات ققنوس، چاپ نهم: ۱۳۷۲.

۱۸- —، **تاریخ تحول نظم و نثر پارسی**، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم: ۱۳۵۳.

۱۹- عابدی، کامیار؛ **تنهاتو از یک برگ**، زندگی و شعر فروغ فرخزاد، انتشارات جامی، چاپ اول: ۱۳۷۷.

۲۰- عراقی؛ **کلیات**، به کوشش سعید نفیسی، انتشارات کتابخانه سنایی، چاپ چهارم.

۲۱- فرخی سیستانی؛ **دیوان اشعار**، به کوشش محمد دبیرسیاقی، انتشارات کتابخانه زوار، چاپ چهارم.

۲۲- فرشیدورد، خسرو؛ **درباره ادبیات و نقد ادبی**، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۲.

۲۳- کسایی مروزی؛ **گزیده اشعار**، انتخاب و شرح: جعفر شعار، نشر قطره، چاپ اول: ۱۳۷۰.

۲۴- لنگرودی، شمس؛ **از نیما تا بعد**، جلد دوم، ناشر: مؤلف، چاپ اول: ۱۳۷۰.

۲۵- مظفری، علیرضا؛ **سده ششم گذر از خردگرایی به احساس‌گرایی**، مجموعه مقالات همایش سالانه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان همایش پنجم، گردآوری و تدوین: محمد سرور مولایی

۲۶- —؛ **سده هفتم، عصر شاعران آسمانی**، مجموعه مقالات همایش سالانه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، همایش ششم، گردآوری و تدوین:

محمد سرور مولایی .

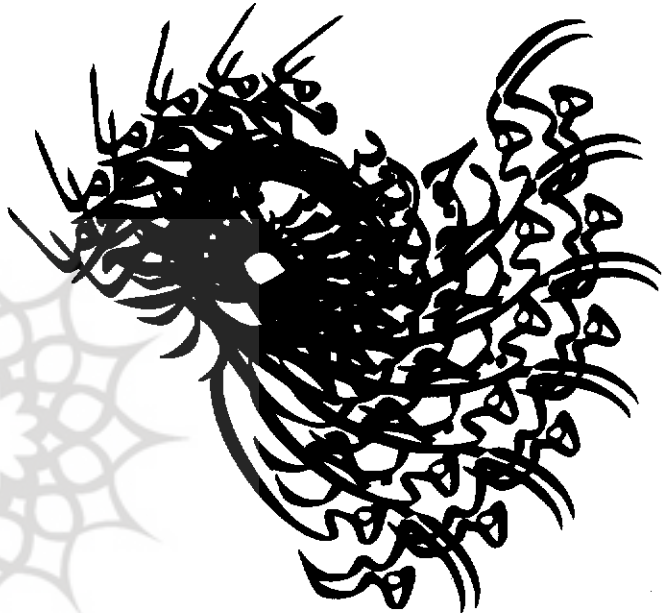
۲۷- ناتل خانلری ، پرویز؛ **هفتاد سخن** ، جلد اول ، شعر و هنر ، انتشارات توس چاپ دوم: ۱۳۷۷ .

۲۸- هنرمندی ، حسن؛ **بنیاد شعر نو در فرانسه و پیوند آن با شعر فارسی** ، انتشارات کتابفروشی زوار ، تهران ، چاپ اول: ۱۳۵۰ .

پانویست‌ها:

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی فارغ التحصیل از دانشگاه ارومیه .

- 1- Romanticism
- 2- William Blake
- 3- Samuel Taylor Coleridge



ژوبشگاه انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال بق علوم انسانی

- ۸- سیر رماتیسم در اروپا ، ص ۹۴ .
- ۹- همان ، ص ۹۶ .
- ۱۰- همان ، ص ۹۷ .

11- Musset

- ۱۲- بنیاد شعر نو در فرانسه ، ص ۲۸ .
- ۱۳- آفاق غزل فارسی ، ص ۴۶ .
- ۱۴- همان ، ص ۶۵ .
- ۱۵- همان ، ص ۶۷ .
- ۱۶- همان ص ۷۳ .
- ۱۷- انواع ادبی ، ص ۱۲۴ .

- ۱۸- سبک‌شناسی شعر ، سیروس شمیسا ، انتشارات فردوس ، ج ۱ ، ۱۳۷۴ ، ص ۱۳ .
- ۱۹- سبک‌شناسی شعر ، ص ۲۴۵ .
- ۲۰- رماتیسم ، اصول آن و نفوذ آن در شعر معاصر ایران ، ص ۲۱۵ .
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران ، جلد اول (خلاصه جلد اول و دوم) ، ص ۹۸ .

۲۲- درباره ادبیات و نقد ادبی ، ص ۷۷۳ .

۲۳- سده ششم ، گذر از خردگرایی به احساس گرایی ، ص ۱۰۱ .

۲۴- فرخی سیستانی ، دیوان ، ص ۲۲۷ .

۲۵- رودکی ، دیوان ، ص ۱۱۶ .

۲۶- کسایی ، دیوان ، ص ۲۶ .

۲۷- تاریخ تحول نظم و نثر پارسی ، ص ۲۲ .

۲۸- انواع ادبی ، ص ۱۲۶ .

۲۹- سده هفتم ، عصر شاعران آسمانی ، ص ۲۸۳ .

۳۰- تاریخ ادبیات ایران ، جلد اول (خلاصه جلد اول و دوم) ، ص ۲۱۷ .

- 31- Mikhail Yuryevich Lermontov
- 32- George Gordon Byron
- 33- Percy Bysshe Shelley
- 34- Heinrich Heine

۳۵- تاریخ تحول نظم و نثر پارسی ، ص ۸۱۳ .

۳۶- سده هفتم ، عصر شاعران آسمانی ، ص ۲۸۵ .

۳۷- حافظ ، دیوان ، ص ۱۵۲ .

۳۸- سعدی ، کلیات ، ص ۵۲۶ .

۳۹- عراقی ، دیوان ، ص ۲۹۹ .

۴۰- خاقانی ، دیوان ، ص ۶۱ .

۴۱- عراقی ، دیوان ، ص ۱۹۳ .

۴۲- سعدی ، کلیات ، ص ۵۰۷ .

۴۳- ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما ، ص ۲۳ .

44- Charles Pievve Baudelaire

۴۵- گزیده اشعار سبک هندی ، ص ۱۲ .

۴۶- صائب ، دیوان ، جلد اول ، ص ۱۳۴ .

۴۷- ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما ، ص ۳۷ .

۴۸- ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما ، ص ۳۷ .

- 49- Moliere
- 50- Jean de Lafontaine
- 51- Racine
- 52- Milton
- 53- Dryden

۵۴- سبک‌شناسی شعر ، ص ۲۲۰ .

۵۵- آشنایی با نقد معاصر عربی ، ص ۲۲۲ .

۵۶- برگزیده آثار در قلمرو نقد ادبی ، ص ۲۱۵ .

۵۷- ادوار شعر فارسی ، (انتشارات توس ۱۳۵۹) ، ص ۵۴ .

۵۸- ادوار شعر فارسی ، (انتشارات توس ۱۳۵۹) ، ص ۷۲ .

۵۹- همان ، صص ۷۳۷۴ .

۶۰- همان ، ص ۷۴ .

۶۱- همان ، ص ۷۵ .

۶۲- همان ، ص ۷۵ .

۶۳- از نیما تا بعد ، ج ۲ ، ص ۴۹ .

۶۴- همان ، صص ۴۸۴۹ .

۶۵- تنهاتر از یک برگ ، ص ۹۵ .

۶۶- همان ، ص ۲۰۲ .